

مقایسه و ارزیابی نقش دانشمندان ایرانی و عرب در بیت‌الحکمه و تأثیر آنان بر تمدن اسلامی

پروین اصغری^۱
مجتبی کریمیان^۲

چکیده

بیت‌الحکمه (خانه دانش)، نخستین بنیاد علمی تمدن اسلامی، در زمان هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ هـ.ق)، به منظور حفظ و نگهداری کتب پیشینیان ایجاد شد؛ زیرا عنایت و توجه خلفای عباسی و بزرگان دربار به دانشمندان و مترجمان، موجب شد که کار ترجمه و تدوین کتب فزونی یابد. از سویی، با ایجاد کارگاه کاغذسازی در بغداد به همت خاندان برمکی، کار تصنیف و رونویسی از کتاب‌ها از سوی وراقان و نساخان افزایش یافت. این مرکز علمی، به واسطه شرایط زمینه‌ساز عصر عباسی و وجود حامیان، به اوج شکوفایی رسید.

حال، سؤال اصلی آن است که نخبگان و دانشمندان ایرانی و عرب در بیت‌الحکمه، در چه سمتی و به چه فعالیت‌های علمی اشتغال داشته‌اند؟ و این فعالیت‌ها تا چه حد در پیشبرد و اعتلای تمدن اسلامی مؤثر بوده؟ و کدامیک در این زمینه نقش و تأثیر بیشتری داشته‌اند؟

فرضیه پژوهش، این است که ایرانیان مرتبط با بیت‌الحکمه، چه در قالب خدمات اجرایی و چه در مقام تحقیق و ترجمه کتب، در رشد و تعالی تمدن اسلامی مؤثر بوده‌اند و در مقایسه با

۱. دکترای تاریخ اسلام: Parvinasghari92@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مربی گروه علوم انسانی دانشگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع):

Mojtaba1316@gmail.com

اعراب نقش فعال‌تری داشته‌اند. بنابراین، در این پژوهش سعی شده ضمن معرفی فعالیت‌های کارکنان بیت‌الحکمه، نقش دانشمندان ایرانی و عرب مرتبط با این مرکز علمی در پیشبرد و اعتلای تمدن اسلامی، مورد بحث و بررسی و مقایسه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

بیت‌الحکمه، ایرانی، عرب، خلافت عباسی، نهضت ترجمه.

مقدمه

عصر خلافت عباسی در تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اسلام، عصری متمایز به‌شمار می‌رود. این تمایز، تنها در مقایسه با مشخصات سیاسی و فرهنگی عصر تخت‌نشینان شامی (بنی‌امیه) نیست؛ بلکه باید آن را بستر تحولاتی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی دانست. با اینکه از نظر سیاسی و مذهبی، دشمنی شدید و جنایات خلفای عباسی در حق اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و شیعیان ایشان، وجه اشتراک عباسیان با امویان و از صفحات غم‌انگیز و شرم‌آور تاریخ خلافت عباسی است، ولی از بُعد فرهنگی، آغاز گسترده‌ترین دادوستدهای مثبت و جدی فرهنگی میان مسلمانان و اقوام دیگر، ایجاد اولین مراکز و پایگاه‌های نشر دانش، شکوفایی شعر و ادب، آغاز نهضت ترجمه و تألیف منظم در فنون مختلف، از ویژگی‌های مهم این عصر محسوب می‌شود.

از دستاوردهای علمی این عصر، بنیان بیت‌الحکمه بوده که ایرانیان در خصوص نقش خود در بنیان و ارتقا و پیشرفت آن، حرف بسیاری برای گفتن دارند. این مقاله، در جهت تبیین نقش ایرانیان در بیت‌الحکمه و تعیین میزان سهم آنان در ارکان و فعالیت‌های مختلف این نهاد علمی، بر آن است تا از طریق مقایسه جایگاه و عملکرد دانشمندان ایرانی و عرب در بیت‌الحکمه، اثبات نماید ایرانیان فعال در بیت‌الحکمه، نه تنها در اداره و پیشرفت این مرکز علمی نقش بسزایی داشته‌اند، بلکه از این رهگذر، در پیشبرد و تعالی تمدن اسلامی مؤثر بوده‌اند. برای اثبات این مسئله در طول بحث، این چشم‌اندازها مدنظر می‌باشد: معرفی بیت‌الحکمه و جایگاه آن در بنیان تمدن اسلامی؛ ارائه ساختار و سلسله‌مراتب موجود در بیت‌الحکمه؛ بررسی و مقایسه نقش ایرانیان و اعراب مرتبط با بیت‌الحکمه در عرصه ترجمه، تألیف و تصنیف علوم و در نهایت، تعیین نقش ایرانیان صاحب‌منصب دربار عباسی در بنیانگذاری و پیشرفت این مرکز علمی.

منابع متعددی از سوی مؤلفان متقدم و متأخر، در باره نقش ایرانیان در تمدن اسلامی تألیف

شده است؛ ولی تاکنون به طور مستقل و مدون، در مورد نقش ایرانیان در بیت‌الحکمه، از طریق مقایسه نقش و عملکرد عرب و ایرانی در این مرکز و تعیین سهم و تأثیر هر یک در رشد و اعتلای تمدن اسلامی، پژوهشی صورت نگرفته و تنها به صورت پراکنده و مختلط در منابع مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین، از این منظر، تحقیق حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، به نقش ایرانیان در عرصه تمدن اسلامی، نگاهی نو و متفاوت دارد.

جایگاه بیت‌الحکمه در بنیان تمدن اسلامی

پیشینه بیت‌الحکمه یا خزانه‌الحکمه، در مقام لفظ و وجه تسمیه، به زمان ایران عهد ساسانی می‌رسد. بنا به گفته مورخان، در ایران عهد ساسانی، کتاب‌های تاریخی، جنگی و داستان‌های عاشقانه‌ای که برای پادشاهان نوشته شده بودند، در خزاینی تحت عنوان «بیوت‌الحکمه» یا خانه‌های حکمت نگهداری می‌شدند. (گوتاس، ۱۳۸۱: ۷۷ به نقل از حمزه اصفهانی، امثال و حکم، مقدمه کتاب تحت عنوان «الأمثال الصادرة عن بیوت الشعر»)

بیت‌الحکمه، کتابخانه دولتی بغداد بود که قدمت تأسیس آن، به اواخر عصر هارون (اواخر قرن دوم هجری) می‌رسد. (همایی، ۱۳۶۳: ۴۴) برخی مؤلفان، بر پایه اخباری که از علاقه و حمایت خلیفه منصور عباسی از تألیف و ترجمه برخی از آثار نجومی و پزشکی در دست بوده، فرض را بر این نهاده‌اند که بیت‌الحکمه، در روزگار منصور شکل گرفته و با افزوده شدن تألیفات و ترجمه‌ها تا عهد هارون، به طور رسمی در زمان این خلیفه، تأسیس شده و در عصر مأمون وسعت یافته است. (کرامتی، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۲۷۵) در مقابل، باید از محققانی یاد کرد که زمان تأسیس بیت‌الحکمه را به زمان جلوتری انتقال داده‌اند. آنان بر این عقیده‌اند که مأمون این مرکز را به عنوان یک نهاد علمی و فرهنگی در سال ۲۱۵ هجری (۸۳۰ م) تأسیس نمود. (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۴: ۱۴۷؛ فخری، ۱۳۷۲: ۲۸) برخی حتی تأسیس آن را به سال ۲۱۷ هجری (۸۳۲ م) نوشته‌اند. (کورین، ۱۳۶۱: ۲۹؛ فاخوری، ۱۳۵۸، ج ۱: ۳۳۴)

ابن ندیم در الفهرست، با گفته خود در مورد ابوسهل فضل بن نوبخت، نظریه وجود بیت‌الحکمه در زمان هارون را تأیید می‌کند. به گفته وی، ابوسهل (متوفای ۱۹۳ ق/۸۱۵ م) در زمان هارون متولی خزانه‌الحکمه بود. (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۴) علاوه بر این، در جای دیگر ذکر نموده که چون یحیی برمکی (وزیر هارون) از نخستین ترجمه مجسطی راضی نبود، ابوحسان و سلم متصدی بیت‌الحکمه را مأمور فراهم آوردن ترجمه‌ای نیکو از آن کتاب نمود. آنان نیز با فراخواندن

مترجمان و با دقت و تلاش، این کار را به پایان رساندند. (همان: ۴۸۲) از این گفته چنین برداشت می‌شود که سلم در زمان یحیی حیات داشته و متصدی بیت‌الحکمه بوده است. پس، بیت‌الحکمه در زمان هارون و به روزگار برمکیان دایر بوده است. مطلبی دیگر که مهر تأییدی بر وجود بیت‌الحکمه در زمان هارون می‌باشد، وجود فردی به نام علان شعوبی است که در بیت‌الحکمه برای هارون و برمکیان از روی کتاب‌ها، نسخه‌برداری می‌کرد. (همان: ۱۷۶)

براین اساس، می‌توان گفت مؤلفانی که تأسیس بیت‌الحکمه را به زمان مأمون مربوط دانسته‌اند، گفته خود را بی‌آنکه به سندی ارجاع دهند، تنها بر مبنای فرضیات سخن رانده‌اند. از طرفی نیز می‌توان نظر کسانی را که معتقدند در زمان مأمون بیت‌الحکمه تأسیس شده، این‌گونه توجیه ساخت که بیت‌الحکمه در زمان هارون، شبیه کتابخانه‌ای بوده که اغلب حاکمان در دربار خود داشته‌اند؛ درحالی که مأمون آن را از حالت یک کتابخانه درآورد و به یک فرهنگستان تبدیل کرد. بنابراین، محتمل است که این تحول، در نظر ایشان به منزله تأسیس به حساب آمده باشد.

در عصر وزارت برمکیان^۱ شاهدیم که در کنار نهضت ترجمه^۲ به زبان عربی، نخستین تألیفات نیز آغاز گردید. کسانی چون علان شعوبی و یحیی بن مبارک برای برمکیان، کتبی تألیف نمودند. (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۸۸ و ۱۹۷) از یک سو، با تلاش‌های پیگیر برمکیان، به‌ویژه یحیی در گردآوری کتب ملل مختلف و ترجمه آنها و تألیف کتاب‌هایی که به اشاره افراد این خاندان و یا برای ایشان صورت می‌گرفت، و از سوی دیگر، با تشویق و تحریک هارون به انتقال کتب علمی سرزمین‌های دیگر به مرکز خلافت، انبوهی از کتب علمی در بغداد فراهم آمد که برای حفظ آنها از گزند آسیب‌ها، نیاز به مکانی مناسب بود. از این رو، بیت‌الحکمه بنیان نهاده شد. (کرامتی و دیگران،

۱. برمکیان، بزرگ‌ترین خاندان ایرانی و دیوان‌سالار عصر خلافت عباسی به شمار می‌روند. این بزرگی و اهمیت، از چند جهت سزاوار توجه است؛ نخست آنکه عصر برمکیان، اوج نفوذ ایرانی‌گری در دستگاه خلافت بود. دوم، شیوه ملک‌داری این خاندان که دولت عباسی را به نیرومندترین دولت، و هارون را به مقتدرترین فرمانروای عصرش تبدیل کرد. سوم، دامنه نفوذ خاندان برمکی و نظارت آگاهانه و مستمر آنان بر جزئیات امور قلمرو اسلام، بی‌مانند بود. چهارم، نقش و تأثیر برمکیان در ایجاد نهضت فرهنگی و پشتیبانی از دانشمندان و ادیبان که خود نیز در زمره آنان به شمار می‌رفتند. پنجم، تأثیری که برمکیان بر شئون مختلف زندگی مادی و معنوی عام و خاص پدید آوردند؛ به‌طوری‌که بخش مهمی از آثار مکتوب تاریخی و ادبی قرون سوم و چهارم هجری را به خود اختصاص داده‌اند. (سجادی، ۱۳۸۵: ۳)

۲. نهضت ترجمه (Translation Movement): در آغاز خلافت عباسی در قلمرو اسلام اهل ذمه، خاصه نصارا و مجوس، با تکیه بر میراث فرهنگ دیرینه خویش، نهضت ترجمه را به‌وجود آوردند که به نقل و ترجمه آثار علمی اقوامی چون: یونانی، ایرانی، هندی، سریانی و نبطی به عربی منجر گردید. (زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۴۷)

۱۳۸۴: ۴۱۸) پس، چندان اغراق نیست اگر گفته شود هسته اولیه بیت‌الحکمه را خاندان ایرانی برمکی در زمان هارون بنیاد نهاده‌اند.

در عهد مأمون، کوشش دستگاه خلافت در انتقال علوم یونانی - رومی به منتهای خود رسید. مأمون، بیت‌الحکمه را به یک پژوهشگاه با بخش‌های وسیعی برای ترجمه علوم مبدل ساخت که بی‌تردید در این راه، کتابخانه کهن اسکندریه را به عنوان الگو مدنظر داشت. (لوکاس، ۱۳۸۲: ۴۳۴) او بخش‌های متعدد، از جمله یک رصدخانه بدان افزود. برای توسعه این مرکز، مأمون ۲۰۰۰۰۰ دینار هزینه نمود و مترجمانی در آنجا گماشت که مقرری آنان از بیت‌المال پرداخت می‌شد. (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۴: ۱۴۷) پس از مأمون، بیت‌الحکمه در دوره خلافت معتصم و واثق دچار وقفه‌ای کوتاه شد؛ تا اینکه متوکل به خلافت رسید. متوکل با وجود آنکه به مانند مأمون اهل علم و فضل نبوده، ولی به علوم توجه داشت و دانشمندان و مترجمان را تشویق و حمایت می‌نمود. او با بخشش‌های خود، بار دیگر به بیت‌الحکمه رونق تازه‌ای بخشید؛ به طوری که بهترین بازدهی و عملکرد این مرکز علمی را در دوره متوکل دانسته‌اند؛ البته نه به جهت حمایت خلیفه، بلکه به واسطه کارشناسی متخصص در فن ترجمه، همچون حنین بن اسحاق پا به عرصه نهاد که همراه با شاگردانش، تحولی در شیوه ترجمه علوم از تحت لفظی به معنایی ایجاد نمود. (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۶۳) بیت‌الحکمه تا عصر ابن ندیم (متوفای ۳۸۵/۹۹۵م) و بنا به برخی اقوال، تا حمله مغولان به بغداد (۶۵۶/۱۲۵۸م) همچنان دایر بوده است. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۰)

ساختار و سلسله‌مراتب موجود در بیت‌الحکمه

برخی مؤلفان براین باورند که در این مرکز، ترجمه فقط از زبان فارسی به عربی صورت می‌گرفته و اصلاً ارتباطی با ترجمه آثار یونانی نداشته است. (گوتاس، ۱۳۸۱: ۸۳) استناد آنان به مترجمان ایرانی بیت‌الحکمه نظیر ابوسهل نوبختی و سهل بن هارون بوده که از فارسی به عربی ترجمه می‌کردند؛ اما باید در کنار این مترجمان، از کسانی نظیر حجاج بن یوسف مَطَر مترجم المجسطی و اصول هندسه اقلیدس، یحیی بن البطریق و ابن ماسویه یاد کنیم که در بیت‌الحکمه فعالیت داشتند و ترجمه‌هایی از سریانی و یونانی انجام داده‌اند. از سوی دیگر، با وجود اخباری مبنی بر اینکه کتب بسیاری از روم به امر هارون و مأمون و توسط مترجمان بیت‌الحکمه به این مرکز علمی انتقال یافت، چگونه می‌توان پذیرفت بیت‌الحکمه اصلاً ارتباطی با نسخ یونانی نداشته است. دانشوران بیت‌الحکمه ضمن آنکه آثار ریاضیدانان یونانی نظیر اقلیدس را ترجمه کردند،

دستاورد‌های بدیعی در هندسه داشتند. در این مورد، می‌توان از پسران موسی‌بن‌شاکر نام برد. همچنین، علاوه بر ترجمه بسیاری از متون طب یونانی از سوی مترجمان بیت‌الحکمه، پزشکان مسلمان نیز به این مجموعه‌های پزشکی، چیزهای بسیاری افزودند. همین بس که بدانیم در زمانی که اروپاییان قرون وسطی، برای تندرستی و شفایابی تنها به دعا یا حتی سحر و خرافات اتکا داشتند، پزشکان مسلمان به این نتیجه رسیدند که موجودات ریز پراکنده در هوا ناقل بیماری‌اند. (کورزین، ۱۳۸۶: ۸۷)

کارمندی که در بیت‌الحکمه به فعالیت علمی اشتغال داشتند، دارای سلسله‌مراتبی بودند؛ بدین ترتیب که بر همه کارکنان، رئیسی به نام «صاحب بیت‌الحکمه» ریاست می‌کرد. از جمله کارکنان زیردست وی، کتابداران (خازنان کتب) و صحافان (مجلدان - وراقان) بودند که هریک مشاخره (اجرت ماهیانه) خاص داشتند. علاوه‌براین، معاونان و دستیارانی هم برای هریک از این صاحبان مشاغل خدمت می‌کردند. برای مطالعه‌کنندگان نیز وسایل کار و جای مطالعه مهیا بود؛ به عبارت دیگر، در این مرکز علوم و مطالعات، همه ابزارها و شرایط لازم برای اهل علم و تحقیق فراهم شده بود تا در پیشرفت علوم و معارف کوشش نمایند. (همان: ۵۰)

سلسله‌مراتب موجود در بیت‌الحکمه و میزان حضور ایرانیان در این مناصب، به شرح ذیل است:

الف. ریاست بر بیت‌الحکمه

خلفای عباسی، مدیران و رؤسای بیت‌الحکمه را از میان دانشمندان و مترجمان برجسته روزگار برمی‌گزیدند که از آنان با عنوان «صاحب بیت‌الحکمه» یاد شده است. رئیس یا صاحب بیت‌الحکمه، منصبی بود که متصدی آن بر همه فعالیت‌های علمی اعم از: تدوین، ترجمه و نسخه‌نویسی کتاب‌ها نظارت داشت. از مشهورترین رؤسای این مؤسسه باید از: سلم، سهل‌بن‌هارون، سعیدبن‌هارون، ابوسهل نوبختی، یوحنا بن‌ماسویه و حنین‌بن‌اسحاق نام برد.

۱. سلم: نخستین کسی که به این جایگاه دست یافت، دانشمندی ایرانی به نام «سلم» یا سلما می‌باشد که در منابع از او به عنوان صاحب بیت‌الحکمه یاد شده است. از زندگی وی اطلاعی در دست نیست؛ تنها همین قدر می‌دانیم که از ادبا و مترجمان زمان هارون و مأمون بوده و مدتی ریاست بیت‌الحکمه را بر عهده داشته است. (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۴۸۲) همچنین، وی از بلغا و فراهم‌آوردگان یکی از آثار مبتنی بر کلیله‌و‌دمنه بوده است. (همان: ۵۴۲) از دیگر خدمات وی به

تمدن اسلامی، مشارکت در کار ترجمه کتاب المجسطی بطليموس می‌باشد. یحیی برمکی، نخستین فردی بود که به فکر ترجمه این کتاب افتاد و ترجمه آن را بر عهده سلم، رئیس بیت‌الحکمه و ابوحسان و گروهی از فعالان این مرکز علمی نهاد و ترجمه آنها مورد پسند یحیی قرار گرفت. المجسطی، نخستین کتابی است که در همه شاخه‌های علم الفلك قدیم در سیزده مقاله تدوین شده بود. (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۳۷) سلم، از جمله کسانی است که مأمون برای گزینش کتاب به بیزانس در روم شرقی فرستاد. (فاخوری، ۱۳۵۸، ج ۱: ۳۳۴)

۲. سهل بن هارون: وی از مردم شهر میشان خوزستان بود که به بصره نقل مکان نمود. وی در نیمه اول قرن سوم هجری در بغداد به خدمت مأمون درآمد. سهل، کتب هندسه‌ای را که از قبرس آورده و ترجمه نموده بودند، بنوشت و به نزد مأمون فرستاد. مأمون از آن پس، وی را خازن کتب نمود (ضیف، ۱۹۶۶: ۱۱۴) که احتمالاً این منصب مربوط به قبل رسیدن وی به ریاست بیت‌الحکمه بوده است. سهل، بزرگ‌ترین شخصیت علمی - ادبی عصر خویش و از جمله بلیغان، شاعران و مترجمان فارسی به عربی محسوب می‌شد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۹۸) که او را بانی سبک‌نگاری عربی نیز دانسته‌اند. (میکل، ۱۳۸۱: ۲۳۷) سهل به آل برمک احترام بسیار می‌نهاد (ممتحن، ۱۳۳۵: ۱۲۷)؛ چنان‌که در وصف یحیی برمکی و پسرش جعفر می‌گوید: «اگر سخن در گوهر بود، یا اگر ممکن بود از سخن لعل و گوهر ساخت، کلام آن دو بزرگوار را می‌توان در گوهر خواند.» (امین، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۴۵)

۳. سعید بن هارون: او برادر سهل است که از وی به‌عنوان شریک سهل در اداره بیت‌الحکمه نام برده‌اند. گمان می‌رود سلم، سهل بن هارون و سعید بن هارون، هر سه در اداره بیت‌الحکمه مأمون همکار و شریک بودند. (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ج ۵: ۳۱۸؛ ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۹۸) احتمالاً وظیفه شریک، مانند نائب یا همکار است و سهل به‌عنوان دبیر یا مدیر بیت‌الحکمه عمل می‌کرد. براین اساس، می‌توان گفت بیت‌الحکمه را یک ناظر، دبیر و معاونش اداره می‌کردند که خدمات، تسهیلات و لوازم ویژه مطالعه، قرائت و بحث را مهیا می‌نمودند.

۴. یوحنا بن ماسویه: وی ایرانی دیگری بود که شایستگی داشتن منصب ریاست بیت‌الحکمه را به دست آورد. یوحنا، پزشکی نصرانی بود که در سال ۲۱۵ هجری (۸۳۰ م) از سوی مأمون به‌عنوان صاحب بیت‌الحکمه منصوب گردید. (فخری، ۱۳۷۲: ۲۰) پیش از آن نیز ریاست بیمارستان بغداد را بر عهده داشت و هارون او را به امر ترجمه کتب طبی که از روم به بغداد آورده بود، مأمور ساخت. (ابن جُلجل، ۱۳۴۹: ۱۳۷) افزون‌براین، وی از جمله کسانی بود که از سوی مأمون

به روم اعزام شدند تا کتب یونانی و رومی را به بغداد منتقل سازند. (فاخوری، ۱۳۵۸، ج ۱: ۳۳۴) ۵. حنین بن اسحاق عبادی: حنین (۲۶۰-۱۹۴ق/۸۷۳-۸۰۹م)، از مسیحیان نسطوری و سریانی زبان اهل حیره است. وی ایرانی نبوده؛ ولی برخی از آن جهت که زادگاهش حیره، مهم‌ترین شهر عرب‌نشین مرز غربی ایران بوده، او و پسرش اسحاق را ایرانی دانسته‌اند. تأثیرپذیری این شهر که همواره تحت سیطره سلاطین ایرانی بوده، از فرهنگ و تمدن عصر ایران باستان، غیرقابل انکار است؛ اما این سبب نمی‌شود که باصراحت، اهالی این منطقه را ایرانی بنامیم. پس، در اینجا از حنین به عنوان یک عرب صحبت خواهد شد.

در سال ۲۴۲ هجری (۸۵۶م) پس از مرگ ابن ماسویه، حنین از مسیحیان نسطوری حیره، ریاست بیت‌الحکمه را بر عهده گرفت. (کورین، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۹) وی از تمام مردم دوران خود، در زبان و لغت یونانی، سریانی، عربی و پارسی آگاه‌تر بود (شهرزوری، ۱۳۶۵: ۳۵۱) و علاوه بر ترجمه، در کار تدوین علوم نیز دست داشت. پیش از ریاست بیت‌الحکمه، از سوی متوکل، سمت «امین دارالترجمه» را کسب نموده بود و نویسندگان و مترجمان دانشمند و چیره‌دستی، در خدمت او بودند که حنین ترجمه‌های آنها را تصحیح و بازخوانی می‌کرد. (ابن جلجل، ۱۳۴۹: ۱۴۲) تا قبل از ریاست حنین، بیشتر ترجمه‌ها در بیت‌الحکمه، از یونانی به سریانی و از فارسی به عربی صورت می‌گرفت؛ اما از آن پس که حنین صاحب بیت‌الحکمه شد، علاوه بر ترجمه از یونانی و سریانی به عربی، در ترجمه‌های قدیمی نیز اصلاح و تنقیح صورت گرفت. (فاخوری، ۱۳۵۸، ج ۱: ۳۳۴) بهترین و استوارترین ترجمه‌ها، در زمان ریاست حنین صورت گرفت که تا حد بسیاری معلول دقت و مهارت حنین و شاگردانش در امر ترجمه کتب علمی بود. (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۶۱)

تا جایی که گزارش‌های تاریخی به ما آگاهی می‌دهند و با نگاهی به قومیت و نژاد نخستین و مهم‌ترین رؤسای بیت‌الحکمه، می‌توان مدعی شد که اکثر رؤسای بیت‌الحکمه، از ایرانیان فرهیخته‌ای بودند که در کار ترجمه و تدوین کتاب نیز دستی داشته‌اند و دانشمندان عرب در انتصاب به این جایگاه نتوانسته‌اند گوی سبقت را از ایرانیان برابیند؛ به خصوص اگر فرضیه ایرانی بودن حنین بن اسحاق اثبات شود.

ب. مترجمان کتب

بیت‌الحکمه در ابتدای امر، بیشتر یک بنگاه ترجمه به حساب می‌آمد. از پرکارترین و شناخته‌شده‌ترین مترجمان آن بنیاد می‌توان از: ابوسهل فضل بن نوبخت، ابوزکریا یحیی بن بطریق،

یوحنا بن ماسویه، حجاج بن یوسف مطر کوفی، حنین بن اسحاق، اسحاق بن حنین، حبیش بن اعصم و ثابت بن قره حرانی نام برد.

۱. ابوسهل فضل بن نوبخت: منجم و مترجم ایرانی قرن دوم هجری، برخاسته از خاندان ایرانی نوبختی بود. این خاندان، علاوه بر نقل و ترجمه کتب از زبان پهلوی به عربی و پایه‌گذاری علوم ریاضی و نجوم در دوره اسلامی، خدمات ارزنده‌ای به مذهب تشیع و ایجاد و گسترش آرمان‌های ملی و دینی این مکتب به عمل آوردند. سهل بن نوبخت در خزانه الحکمه، مترجم تألیفات خاص نجومی از فارسی به عربی بوده است. ابوالعباس نوبختی، فرزند ابوسهل نیز آثاری را از پهلوی به عربی بازگرداند. (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۹۲)

۲. ابوزکریا یحیی بن البطریق (متوفای ۳۰۰ق/۹۱۲م): وی از جمله مترجمان معروف ایرانی سده سوم هجری بود که ملقب به «امین دارالترجمه» گردید. (ابن جلجل، ۱۳۴۹: ۱۴۰) وی در بیت‌الحکمه فعالیت علمی داشت و از اعضای هیئت اعزامی مأمون به روم بود. (صفا، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۰) او با دقت و ممارستی که در ترجمه آثار یونانی داشت، توانست کتب علمی با کیفیت بالا ترجمه کند. بیشتر اوقات ترجمه‌های نادرست و نامفهوم که حاصل بی‌دقتی مترجم یا روش ترجمه لغت به لغت متن اصلی بوده، سبب سهو و خطای دانشمندان در مطالعه و محاسبات علمی شده است. از این رو، باید به نقش مؤثر مترجمان دقیقی چون یحیی بن البطریق در پیشبرد علوم اسلامی پی‌برد.

۳. حجاج بن یوسف بن مطر کوفی: او مترجم و ریاضی‌دان عرب تبار سده دوم و سوم بود (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۳۰۴) که از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. نخستین بار حجاج، اصول اقلیدس را ترجمه و به هارون تقدیم کرد. در این دوره حجاج، همراه با هیئتی از سوی مأمون، تحت رهبری سلم، برای آوردن آثار علمی یونانی به روم شرقی سفر کرد. وی همچنین، ویرایش جدیدی از ترجمه قبلی‌اش از اصول اقلیدس را به مأمون تقدیم نمود. (همان: ص ۳۲۵)

۴. حنین بن اسحاق: وی در زبان‌های یونانی، سریانی و عربی فصاحت داشت و در منصب ریاست، در کنار نظارت بر کتب ترجمه‌شده، خود نیز به ترجمه اشتغال می‌ورزید. همین مطلب، در مورد سایر رؤسای بیت‌الحکمه هم صدق می‌کند.

۵. مترجمان دیگری که به گمان قوی در این مؤسسه مشغول به فعالیت بوده‌اند، از جمله سلام بن أبرش است که مترجمی ایرانی و از قدما و پیشگامان نهضت ترجمه و معاصر با دوره برامکه بود. وی عهد منصور تا پایان خلافت هارون را درک نموده بود. او به تشویق یحیی، ترجمه

کتاب *سماع طبیعی* ارسطو را انجام داد. (همان: ۴۴۵)

ایوب رهاوی (ایوب بن قاسم رقی) و سمعان نیز دو مترجمی بودند که زیج بطليموس را برای محمد بن خالد برمکی ترجمه کردند. (همایی، ۱۳۶۳: ۹۶)

گروهی دیگر از مترجمان در بیت‌الحکمه کار می‌کردند که در ترجمه کتب فارسی به عربی تخصص داشتند؛ مانند: موسی بن خالد، یوسف بن خالد، فضل بن نوبخت و علی بن عبیده ریحانی. همچنین، از افراد دیگری چون: عباس بن سعید جوهری، ابومعشر بلخی منجم و یعقوب بن اسحاق کندی به عنوان مترجمان بیت‌الحکمه نام برده‌اند.

با مروری بر اسامی مترجمان در بیت‌الحکمه و حتی در طول دوران نهضت ترجمه، می‌توان اثبات کرد غالب مترجمان و حتی حامیان نهضت ترجمه، ایرانی‌تبار بودند. در بیت‌الحکمه، دانشمندان ایرانی علاوه بر تصدی مقام ریاست، بر کار ترجمه و تدوین کتب نیز نظارت می‌کردند. برخی هم در مقام مترجم، شخصاً بدین امر اشتغال داشتند. در واقع، می‌توان بیشتر دانشمندان ایرانی را که با بیت‌الحکمه در ارتباط بودند، از مترجمان به شمار آورد. در زمینه ترجمه علوم، اعراب در مقایسه با ایرانیان و سریانیان، نقش کمتری داشته‌اند.

ج. مؤلفان

برخی از دانشمندان در بیت‌الحکمه، به تألیف و تصنیف اشتغال داشته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به یحیی بن زیاد فرآء و مؤلفی به نام هرثمی شعرانی یاد کرد که در این مرکز علمی به کار تألیف اشتغال داشتند. (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۳۱۴) این نکته را باید یادآوری کنیم که فعالان بیت‌الحکمه، گاه هم‌زمان به ترجمه و تألیف و نسخ کتب اشتغال داشته‌اند؛ نظیر ابوسهل نوبختی، علان شعوبی، بنو شاکر (محمد، احمد و حسن) که خود در بیت‌الحکمه به کار ترجمه و تألیف اشتغال داشته‌اند، عهده‌دار پرداخت حقوق به برخی دانشمندان نیز بوده‌اند. بر این اساس، نمی‌توان بین تألیف و سایر فعالیت‌های موجود در بیت‌الحکمه، تفکیک چندانی قائل شد.

د. نسخه‌برداران کتب ترجمه و تألیفی

تدوین و رونویسی کتب، دیگر خدمت ارزنده‌ای بود که از سوی فعالان بیت‌الحکمه در قالب نسخه‌برداری صورت می‌گرفت. اهمیت نسخه‌برداری کتب، از آن جهت است که در آن ایام خبری از دستگاه چاپ نبود. تنها با تلاش همین نسّاخان بود که از روی کتبی که مترجمان با زحمت بسیار ترجمه و تصحیح و تشریح می‌کردند، چندین نسخه تهیه می‌شد تا در عین حفظ و

مصونیت آن کتب از نابودی، امکان دسترسی به این کتاب‌ها در سراسر بلاد جهان اسلام میسر شود. در بیت‌الحکمه عده‌ای با عنوان کاتب، ناسخ و مجلد نیز فعالیت داشتند که مهم‌ترین ایشان عبارت‌اند از:

۱. از معروف‌ترین نساخان ایرانی بیت‌الحکمه، علان یا غیلان بن حسن الوراق، معروف به شعوبی بود که از ملازمان خاندان برمکی به شمار می‌آمد. وی در طول دوران خلافت هارون و مأمون، در بیت‌الحکمه به کار نساخی و رونویسی کتاب‌ها اشتغال داشت. همچنین، عده کثیری نویسنده و ناسخ، زیر دست علان شعوبی به استنساخ کتب ترجمه‌شده مشغول بودند. (گوهرین، ۱۳۳۱: ۴۴۲ - ۴۴۳)

در زمینه تألیف، علان بیشتر به موضوعات مربوط به انساب و مثالب یا منافرات و مناظرات عرب علاقه‌مند بود و در این زمینه، صاحب تألیفاتی نظیر کتاب *المیدان فی المثالب* می‌باشد. علان به سبب توفیقی که در این کتاب به ذکر مثالب عرب داشت، از طاهر بن حسین ذوالیمین (مؤسس حکومت طاهریان) صله گرفت. (صفا، ۱۳۷۵: ۶۰ - ۶۱) وی در آثارش عمدتاً توجه به مثالب و معایب اعراب داشت؛ به جهت همین ضدیت با قوم عرب بوده که لقب شعوبی به وی داده‌اند.

۲. ابن ابی‌الحریش که مجلد و صحاف بوده است. (یاقوت حموی، ۱۹۳۶، ج ۱۰: ۱۰۵)

ه. مطالعه و پژوهش‌های علمی

بیت‌الحکمه در ابتدای امر بیشتر شبیه محل ترجمه و حفظ کتب بود؛ اما به تدریج امکاناتی نظیر: رصدخانه، حجره‌های مطالعه، مناظره و تدریس برای پژوهشگران مهیا شد. این ویژگی بیت‌الحکمه، سبب شد برخی دانشمندان بی‌آنکه در بیت‌الحکمه ریاستی یا مقام و منصبی داشته باشند، به این مرکز علمی رفت‌وآمد کنند. هدف آنان، بهره‌مندی از امکانات این مرکز در مسیر مطالعه، تحقیق و بررسی‌های علمی خود بود. به کوشش این دانشمندان و حکیمان، کار نگارش کتاب و دانشنامه‌های گوناگون رونق گرفت و مناظرات و گفت‌وگوهای علمی پرباری در بیت‌الحکمه برگزار می‌شد. از مهم‌ترین محققان بیت‌الحکمه می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

۱. یحیی بن ابی‌منصور (متوفای ۲۴۸ق/۸۶۲م): وی منجم و ریاضی‌دان بنام روزگار مأمون و از جمله ایرانیانی است که در زمینه دانش نجوم در بیت‌الحکمه به فعالیت علمی اشتغال داشت. پدرش أباحسیس یا فیروزان، مشهور به ابومنصور، منجم دربار منصور عباسی بود. (ابن خلکان، ۱۳۴۷، ج ۶: ۷۹) زادگاه خاندان ابومنصور، طبرستان (مازندران) و بر کیش زرتشتی بودند. یحیی

نیز ابتدا زرتشتی بود. وی در خدمت فضل‌بن‌سهل، وزیر مأمون و عالم علم نجوم قدیم درآمد. یحیی پس از کشته شدن فضل، منجم دربار مأمون گردید و توسط مأمون به دین اسلام درآمد و نام خود را از به یحیی (زنده) تغییر داد و نزد مأمون صاحب مقام و منزلت والایی گردید. (صفدی، ۱۴۱۱، ج ۲۲: ۳۰۳)

یحیی به همراه سایر منجمان نامدار عصر مأمون، در ساختن زیج مأمونی شرکت داشت. این دانشمند ایرانی به دستور مأمون به ساختن رصدخانه و تهیه ابزار آن، در شماسیه بغداد و کوه قاسیون دمشق مبادرت نمود و در رصدی که به سال ۲۱۵ هجری توسط هیأتی از منجمان صورت گرفت، به عنوان رئیس و پیشوای آنان حضور داشت. (ابن‌العبری، ۱۳۶۴: ۲۰۰) یحیی به مانند بسیاری از همکاران خود، نتایج حاصل از رصدهای خویش را در زیجی به نام زیج ممتحن مأمونی گرد آورد که امروزه نسخه‌ای آشفته از آن در دست است. (کرامتی، ۱۳۸۰: ۵۱)

اهمیت کارهای نجومی یحیی، از آن جهت است که با همکاریانش توانست بسیاری از مطالب بطليموس را تصحیح کند و زیجی فراهم آوردند که به‌وسیله آن حساب‌های نجومی موجود در کتاب بطليموس را آزمایش نمایند. (سزگین، ۱۳۷۱: ۹۶) فعالیت‌های علمی یحیی در باب نجوم، تأثیر خیلی مهمی در پیشرفت نجوم اسلامی داشت.

یحیی در کنار پرداختن به مطالعات و پژوهش‌های خویش، به تربیت شاگردانی همچون بنی‌موسی‌بن‌شاکر مبادرت نمود که این سه برادر، بعدها مستقلاً به ایجاد رصدخانه و انجام فعالیت نجومی و ریاضی پرداختند.

خاندان یحیی در تاریخ، تحت عنوان خاندان بنی‌منجم یا آل‌منجم شهرت یافته‌اند. این درحالی است که اغلب فرزندان و نوادگان یحیی، از ادبا و شعرا بوده‌اند و از میان ایشان، تنها نوه یحیی، به نام ابوعبدالله هارون‌بن‌علی‌بن‌یحیی (متوفای ۲۸۸ق/۹۰۱م) با فراهم آوردن زیجی که رواج بسیار یافت، توانست به آوازه‌ای دست یابد. (صفدی، ۱۴۱۱، ج ۲۲: ۳۰۳؛ نجم‌آبادی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۳) البته نوه هارون نیز همان‌ام او بوده و همین امر، سبب شده مؤرخان در انتساب این زیج به ابوعبدالله هارون‌بن‌علی‌بن‌یحیی با ابوعبدالله هارون‌بن‌علی‌بن‌هارون‌بن‌علی، دچار اشتباه شوند. (کرامتی، ۱۳۸۳: ۱۲: ۶۸۵)

۲. بنی موسی‌بن‌شاکر خراسانی: اینان سه برادر به نام‌های: محمد، احمد و حسن بودند که در مقایسه با سایر دانشمندان ایرانی، ارتباط بیشتری با بیت‌الحکمه داشتند؛ زیرا از کودکی در این مرکز علمی تحت نظر یحیی‌بن‌ابی‌منصور و در ارتباط با دانشمندان اسلامی بزرگ شدند و تحت

تأثیر همین نهاد علمی، در جرگه دانشمندان و ریاضی‌دانان عصر قرار گرفتند و هریک در علمی همچون: ریاضی، مکانیک و اخترشناسی متبحر شدند. آنان پس از رسیدن به مرحله‌ای که توانستند مستقلاً به فعالیت علمی بپردازند، از یحیی جدا شده و در خانه خود، رصدخانه و دارالترجمه‌ای ایجاد نمودند. در عین حال، همچنان با بیت‌الحکمه در ارتباط بودند و برای تحقیق و مطالعه به آنجا می‌رفتند.

بنی‌موسی، نمونه یک خانواده علمی بود که تأثیر آنان در تمدن اسلامی، به‌ویژه در ریاضیات و مکانیک، غیرقابل انکار است. آنان علاوه بر اینکه خود اهل مطالعه و علم بودند، سایر اهل علم، به‌خصوص مترجمان را تشویق و ترغیب می‌نمودند. پسران موسی بن شاکر خراسانی، در راه توسعه و پیشرفت علوم اسلامی از هیچ اقدامی فروگذار نکردند و در این راه، بخش مهمی از ثروت خود را صرف نمودند. (فروخ، ۱۹۸۴: ۲۲۷) خانه بنی‌موسی، به معنای واقعی کلمه، کانون علمی بود؛ به طوری که لقب دلالان علم و معرفت گرفتند. (حلبی، ۱۳۶۵: ۶۶)

۳. ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی کوفی (م ۲۵۲ق/۸۶۶م): وی معروف به «فیلسوف عرب» و یا «فیلسوف و شاهزاده عرب»، از حکمای اسلامی عرب نژاد است. کندی در دستگاه خلافت، نزد مأمون و معتصم و پسرش متوکل مقامی ارجمند داشت. وی معاصر با اوج نهضت عظیم فکری و جنبش ترجمه بود. او دامنه دانش خود را وسعت داد و در جوی آکنده از مجادلات دینی و مذهبی، به آموختن فلسفه پرداخت. کندی به عنوان نخستین نماینده تفکر ارسطویی و نوافلاطونی با بیت‌الحکمه ارتباط داشت و برای مطالعه و آگاهی از آثار فلسفی یونان باستان، به این مرکز علمی رفت‌وآمد داشت و در مجالس بحث و مناظره حضور می‌یافت.

۴. محمد بن موسی خوارزمی (متوفای ۲۳۲ق/۸۴۷م): او عالم ریاضی و یکی از منجمان مأمون بوده و ابن‌ندیم وی را «منقطع إلى خزنة الحکمه» دانسته (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۳۲۴)؛ به این معنا که وی از همه چیز رویگردان بود و تنها به جهت بهره‌مندی از امکانات علمی بیت‌الحکمه در پژوهش‌ها و مطالعات خویش، بدانجا رفت‌وآمد داشت.

در مورد جزئیات زندگی خوارزمی، تنها اطلاعات محدودی از بین اشارات موجود در کتاب تراجم و رجال و ملاحظاتی اتفاقی مورخان و جغرافی‌دانان به دست آمده است. در باب حیات علمی خوارزمی گفته شده که در ایام خلافت مأمون، عضو بیت‌الحکمه بوده و مرتباً برای انجام تحقیقات و مطالعات خود به آنجا رفت‌وآمد داشته است. همچنین، مأمون وی را به سمت کتابداری خود برگزید و مأمور تنظیم جداول نجومی کرد. (قفطی، ۱۳۷۱: ۳۹۰)

خوارزمی را به مناسبت اینکه نخستین فردی است که را به عربی ترجمه نموده و ارقام هندی و زیجی بر مبنای زیج هندی سندهند نگاشته، مترجم کتاب‌های نجومی و ریاضی از زبان سانسکریت به عربی دانسته‌اند. (حکیمی، بی تا: ۸۴) خوارزمی به جز گردآوری زیج‌های قدیم، کهن‌ترین کتاب حساب به نام *الجمع والتفریق*، و نیز قدیمی‌ترین کتاب جبر تحت عنوان *الجبر والمقابله* را به درخواست مأمون در سال ۲۱۵ هجری (۸۳۰ م) تألیف نمود. (حتی، ۱۳۶۶: ۴۸۳؛ کرامتی، ۱۳۸۰: ۵۲؛ گوتاس، ۱۳۸۱: ۱۶۳)

وی الگو و سرمشق ریاضی‌دانان بسیاری همچون عمر خیام و یعقوب فلورانسی بود. (حتی، ۱۳۶۶: ۴۸۴) همچنین، لئوناردو فیبوناتچی بر پایه آثار خوارزمی، کتاب حساب خود را انتشار داد. (هلزی هال، ۱۳۶۳: ۲۵۹)

به دلیل جایگاه مهم خوارزمی، نیمه اول قرن نهم میلادی (۱۱۸۵-۱۲۳۶ ق/ ۸۰۱-۸۵۰ م)، عصر خوارزمی نامگذاری شده است. (سارتن، ۱۳۶۰، ج ۱: ۶۲۸) همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، خوارزمی که از چهره‌های درخشان در میان دانشمندان اسلامی است، در بیت‌الحکمه مطالعه و تحقیق می‌کرد. بی‌تردید، در ترجمه‌ها و تألیفات این اندیشمند ایرانی، شرایط، محیط و امکانات علمی بیت‌الحکمه و دانشمندان مرتبط با آن، یار و مدد رسان خوارزمی بوده‌اند. براین اساس، کارایی و عملکرد بیت‌الحکمه به‌عنوان مرکزی که توانسته زمینه مطالعات و دانش‌اندوزی بزرگ‌ترین ریاضیدان جهان اسلام را مهیا نماید، قابل تأمل است. خوارزمی با آثار و تألیفات علمی خود در زمینه نجوم، ریاضی و جغرافی، نه تنها به تمدن اسلامی، بلکه به پیشبرد تمدن جهان کمک نمود.

در زمینه تحقیق، در بین پژوهشگران و دانشمندان مرتبط با بیت‌الحکمه، منابع جز کندی، از شخصیت بارز دیگری از اعراب اشاره نکرده‌اند. در مقابل، اغلب مراجعه‌کنندگان به بیت‌الحکمه، از دانشمندان و مؤلفان بزرگ ایرانی بوده‌اند.

نتیجه

بیت‌الحکمه بغداد که از زمان منصور عباسی مقدمات پیدایش آن مهیا شده بود، در زمان هارون با کتاب‌های اهدایی یا خریداری شده توسعه یافت. این مکان، به تدریج در زمان مأمون، به یک مؤسسه پژوهشی و مرکز تحقیقات علمی ارتقا یافت و محققان و دانشمندان در آن به پژوهش، ترجمه و تألیف و جلسات بحث و گفت‌وگو پرداختند. بنا بر شواهدی که ذکر آن به میان آمد، تأثیر ایرانیان در ارتقا و پیشرفت سطح علمی این مرکز، بیش از سایر اقوام و ملل بود؛ حتی نام آن، عربیتی از ایران عهد ساسانی بود؛ زیرا «بیت‌الحکمه» از نامی که ساسانیان برای کتابخانه به کار می‌بردند، گرفته شد.

ایرانیان که در قرن دوم هجری با حمایت از قیام عباسیان، به حامی و تکیه‌گاه دولت عباسی مبدل شده بودند و جای عنصر عرب را گرفتند، این امکان را یافتند که در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه اسلامی، حضوری فعال و پُرثمر داشته باشند. یکی از عرصه‌های حضور فعال ایرانیان در تمدن اسلامی، فعالیت در بیت‌الحکمه بود؛ به طوری که در بین اسامی افرادی که در بدو تأسیس تا اوج شکوه و عظمت، با این مرکز همکاری داشته‌اند، بیش از همه، نام عناصر ایرانی به چشم می‌خورد. خاندان ایرانی تبار برمکی که در عرصه سیاست قدرت و نفوذ یافته بودند، تنها به سیاست صرف نپرداختند؛ بلکه در کنار رسیدگی به امور سیاسی، به مسئله نشر و توسعه علوم اسلامی اهتمام داشتند. اهتمام آنان بود که در عرصه تدوین و ترجمه علوم، خلفای عباسی را به گردآوری کتب برای ترجمه و تأسیس بیت‌الحکمه در راستای نگهداری این کتب ترغیب نمود. سپس، زمینه حضور فعال هم‌وطنان فرهیخته خویش را در این مرکز علمی مهیا ساختند. دو تن از اعضای برجسته بیت‌الحکمه، یعنی علان شعوبی و سهل بن هارون، از دست‌پروردگان برمکیان بودند.

پسران موسی بن شاکر، در جرگه اهالی بیت‌الحکمه بودند که در عین حمایت از مترجمان، خود نیز نمونه بارز نخستین دانشمندان و مهندسان اسلامی بودند و در هنگام اقتباس علوم بیگانه، دست به کارهای بدیع و مستقل زدند. اهمیت نقش حمایتی بنی‌موسی، از آن جهت است که اوج فعالیتشان در دهه سه تا پنج قرن سوم هجری بوده؛ یعنی مقارن با زمانی که بیت‌الحکمه به مانند گذشته در هدایت و تشویق مترجمان اهمیت پیشین را ندارد؛ اما بنی‌موسی با بذل وقت و مال خویش، تداوم‌بخش راه بیت‌الحکمه در تقویت و پشتیبانی نهضت علمی عصر شدند.

به‌طور کلی، در کنار فعالیت‌های انفرادی دانشمندان ایرانی در بیت‌الحکمه، شاهد حضور مؤثر علمی خاندان‌های ایرانی نظیر: برمکیان، نوبختیان و بنی‌موسی‌بن‌شاکر و... در این مرکز علمی هستیم. در حالی که بین اعراب از چنین حضوری، چه در قالب انفرادی و چه در قالب خاندانی، آن‌چنان نشانی نمی‌یابیم؛ حتی حامی قدرتمند بیت‌الحکمه، یعنی مأمون عباسی، از مادری ایرانی متولد شده بود و با تربیت در نزد برامکه و گذراندن بخشی از حیات خویش در خراسان، فردی روشن‌بین و علم‌دوست گردید. بنابراین، می‌توان مدعی شد که اهتمام دانشمندان و وزرا و بزرگان ایرانی بود که در عرصه تدوین و ترجمه علوم، هارون و مأمون را به گردآوری کتب برای ترجمه و تأسیس بیت‌الحکمه در راستای نگهداری این کتب ترغیب نمود.

با مقایسه نقش ایرانی و عرب در بیت‌الحکمه، علاوه بر اثبات این مسئله که ایرانیان نقش مؤثرتری در پیدایش و ارتقای بیت‌الحکمه داشته‌اند، می‌توان کارکردهای این مرکز علمی را نمایان ساخت که به‌طور کلی، شامل: اهتمام بر ترجمه، اعزام هیئت‌های تحقیق و جست‌وجو جهت یافتن کتب مختلف در کشورهای همجوار سرزمین‌های اسلامی، انتخاب زبده‌ترین مترجمان و جمع‌آوری عالمان و متفکران برای کار در بیت‌الحکمه و تنوع کارهای فرهنگی در بیت‌الحکمه نظیر کارهای تحقیقی، علمی، ترجمه، تألیف، استنساخ و تدریس می‌شد و هریک از دانشمندان و عالمان، به فراخور موقعیت و جایگاه خویش در این مرکز علمی، به فعالیت خاصی اشتغال داشتند.

بر اساس مطالب گفته‌شده، درمی‌یابیم که بیت‌الحکمه در وهلهٔ اول، به عنوان مؤسسه یا آکادمی تحقیق و ترجمه به شمار می‌رفت. توجه و عنایت این مرکز، اساساً به جنبهٔ علمی بوده؛ ابتدا فلسفه یا همان حکمت، و سپس، علوم طبیعی دیگر مانند: فلک، نجوم، هیئت و طب. بیت‌الحکمه، دارای رصدخانه نیز بوده است. تعداد قابل توجهی از علمای نجوم مانند: ماشاء‌الله‌بن‌اثری، ابوسهل فضل‌بن‌نوبخت، محمدبن‌موسی‌خوارزمی که در خزانهٔ الحکمه برای مأمون کار می‌کردند و دارای تألیفاتی در این زمینه بودند. مسلماً در بیت‌الحکمه، دبیر یا ناظری برای رصدکنندگان وجود داشته است؛ از جمله: یحیی‌بن‌ابی‌منصور و حبش‌بن‌عبدالله مروزی که از اصحاب رصد بودند. حسن‌بن‌سهل نوبخت، عمر بن فرخان و ابومعشر بلخی هم از رصدکنندگان بودند. اینان همگی، ایرانی تبار بودند.

اعضای هیئتی (حجاج‌بن‌مطر کوفی، یحیی‌بن‌بطریق، سلم و یوحنا بن ماسویه) که مأمون به سوی پادشاه روم فرستاده و کتاب‌های یونانی‌ای که همراه آورده‌اند، جز یک تن (حجاج‌بن‌مطر

کوفی)، بقیه ایرانی بودند.

از آنجا که اغلب فعالان بیت‌الحکمه، مترجمانی بودند که به کار نقل و ترجمه آثار اقوام و ملل مختلف اشتغال داشتند، وظیفه وراقان و نساخان حایز اهمیت بود؛ چراکه این ترجمه‌ها توسط وراقان و نساخان که تحت‌نظر علان شعوبی فعالیت می‌کردند، رونویسی و تکثیر می‌گردید. سپس، برای حفاظت از آسیب‌گزارها، به خازن بیت‌الحکمه سپرده می‌شد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در همه این قسمت‌ها بیش از همه، شاهد حضور ایرانیان هستیم و هریک در مسؤلیت و منصبی که داشتند، در راه ارتقای علوم اسلامی و رشد و توسعه تمدن اسلامی کوشیدند.



منابع

- آرام، احمد و نائینی و دانش‌پژوه و دیگران، *یادنامه محمد بن موسی خوارزمی*، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۹.
- ابن‌العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۰۰.
- ابن‌جلجل، سلیمان، *طبقات الاطباء و الحكماء*، ترجمه محمدکاظم امام، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷، ۱۴۰.
- ابن‌خلکان، شمس‌الدین احمد، *وفیات الاعیان و ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، جلد ۶ بیروت: دارصادر، الطبعة الاولى، ۱۳۴۷ق، ص ۷۹.
- ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۶، ص ۸۸، ۱۹۷، ۱۹۸، ۴۳۴، ۴۸۲ و ۴۹۲.
- امین، احمد، *پرتو اسلام (ضحی الاسلام)*، ترجمه عباس خلیلی، تهران: نشر اقبال، چاپ سوم، ۱۳۵۸، ص ۱۴۰، ۲۵۴.
- اولیری، دلیسی، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۲۶۳.
- پیگولوسی و دیگران، *تاریخ ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۲۹۳.
- حتی، فیلیپ، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی‌جا: نشر آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۴۸۳ و ۴۸۴.
- حکیمی، محمد رضا، *دانش مسلمین*، بی‌جا: نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا، ص ۸۴.
- حلبی، علی اصغر، *تاریخ تمدن اسلامی*، تهران: نشر اساطیر، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، کتاب چهارم: عصر ایمان، بخش دوم: تمدن اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اقبال، چاپ اول، ۱۳۴۳، ص ۲۸، ۱۴۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۰، ص ۴۷.
- سارتون، جورج، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، جلد ۱، تهران: نشر

- هدهد، چاپ دوم، ۱۳۶۰، ص ۶۲۸
- سجادی، سیدصادق، *تاریخ برمکیان*، تهران: نشر بنیاد موقوفات محمود افشار، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۳.
- سزگین، فؤاد، *گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی*، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۹۶.
- صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم هجری*، جلد اول، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۵۰ و ۶۰.
- ، *دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن*، تهران: نشر هیرمند، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۶۰، ۶۱.
- صفدی، صلاح‌الدین ایبک، *الوافی بالوفیات*، بیروت: دارالصادر، الطبعة الثانی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۰۳.
- ضیف، شوقی، *العصر الاوّل العباسی (التاریخ الأدب العربی)*، مصر: دارالمعارف، الطبعة الثانیه، ۱۹۶۶م، ص ۱۱۴.
- فاخوری، حنا و خلیل البحر، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بی‌جا: نشر زمان، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۳۳۴.
- فخری، ماجد، *سیر فلسفه در جهان اسلام*، ترجمه اسماعیل سعادت و دیگران، تهران: نشر مرکز دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۰، ۲۸.
- فروخ، عمر، *تاریخ العلوم عند العرب*، بیروت: نشر دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعة، ۱۹۸۴، ص ۱۲۷، ۲۲۷.
- قفطی، جمال‌الدین، *تاریخ الحکماء*، بهمن دارائی، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷، ۳۹۰.
- کرامتی، یونس و دیگران، *تاریخ فرهنگ و هنر*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۱۳، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵، ۴۱۸.
- کرامتی، یونس، *کارنامه ایرانیان*، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۵۱، ۵۲.
- کورین، هانری، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۱، ص ۲۹.

- کورزین، فیلیس، *امپراطوری اسلامی*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۸۷.
- گوتاس، دیمیتری، *تفکر یونانی؛ فرهنگ عربی*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۷۷، ۸۳، ۱۶۳.
- گوهرین، سید صادق، *حُجَّةُ الْحَقِّ ابوعلی سینا*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و هنر، چاپ اول، ۱۳۳۱، ص ۴۴۲، ۴۴۳.
- لوکاس، هنری، *تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر سخن، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ص ۴۳۴.
- محمدی ملایری، محمد، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران: نشر توس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ممتحن، حسینعلی، *راز بقای تمدن و فرهنگ ایران*، تهران: نشر دانشگاه ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۳۵، ص ۱۲۷.
- ، *نهضت شعوبیه جنس ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی*، جلد ۱، تهران: نشر علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶.
- میکل، آندره و هانری لوران، *اسلام و تمدن اسلامی*، ترجمه حسن فروغی، تهران: نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۳۷.
- نجم‌آبادی، محمود، *تاریخ طب در ایران (پس از اسلام)*، جلد دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۹۳.
- هال، هلزی و لویس ویلیام، *تاریخ و فلسفه علم*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر سروش، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۵۹.
- همایی، جلال‌الدین، *تاریخ علوم اسلامی*، تهران: نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۴۴.
- هونکه، زیگرید، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه مرتضی رهبانی، بی‌جا: نشر فرهنگ‌اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱.
- یاقوت حموی، یاقوت‌بن‌عبدالله، *معجم‌الادباء و طبقات‌الادباء*، جلد ۱۰، ترجمه عبدالمحمدآیتی، بی‌جا: نشر سروش، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵.